

پیرامون برنامه‌های

اقتصادی دولت

آنچه ملاحظه می‌کنید سخنرانی برادر
دکتر محسن نوربخش وزیر محترم امور
اقتصادی و دارایی است که بنا به دعوت
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
و در گردهمایی دبیران پیش‌اسلامی در
اردوگاه شهید باهنر ایراد گردیده است.
در پایان سؤالاتی از سوی حاضران
مطرح شده که همراه با پاسخ آنها مندرج
است.

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام به معلمین گرانقدر و آیسند سازان
میهن اسلامی. تشکر می‌کنم از این که به
مسئولین اجرائی بخش اقتصادی فرصتی داده
شده است تا اهم مسایل اقتصادی باجمال
مطرح شود و در پایان هم به سؤالات شما
عزیزان پاسخ می‌دهم. من بدون اغراق برای
فرهنگیان ارزش و احترام خاصی قائلم و
سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش را بهترین
سرمایه‌گذاری می‌دانم و لذا به سهم خود هر
وقت محافل فرهنگی خواسته‌اند، در جمع آنها
حضور یافته‌ام تا به مسایل و پرسش‌های آنها
پاسخ دهم.

سؤالاتی که معمولاً در ارتباط با مسایل
اقتصادی مطرح می‌شود از این قبیل است:

۱- چرا حقوق و دستمزدها ثابت است و

قیمت‌ها شش‌چنان افزایش می‌یابد؟

۲- چرا دولت قیمت‌ها را کنترل نمی‌کند و

نظارت ندارد؟

۳- این وضع تا کی ادامه دارد و وضع

اقتصادی در آینده چگونه خواهد بود؟

برای پاسخگویی به سؤالات فوق و روشن

شدن مسئله لازم است به گذشته برگردیم و

وضع اقتصادی کشور را در سالهای گذشته

مرور نماییم تا دریابیم اکنون در کجا قرار

گرفته‌ایم و آینده ما در کدام جهت است؟ بدین

لحاظ ما با دو دوره مشخص مواجه هستیم:

الف: دوران جنگ تحمیلی و دفاع مقدس



ب: دوره بعد از پذیرش قسطنطنیه و شرایط صلح و آنچه تحت عنوان «دوران سازندگی» از آن نام برده می‌شود.

وضع اقتصادی کشور در دوران جنگ تحمیلی

این دوره از لحاظ اقتصادی و اجتماعی چند ویژگی داشت:

اولین ویژگی محدودیت‌هایی بود که از نظر درآمدهای ریالی و ارزی با آن مواجه بودیم مسئله دوم این بود که به همان درآمدهای محدود هم اطمینانی نبود یعنی ما مثلاً پیش‌بینی می‌کردیم که تا پایان سال چه مقدار نفت می‌توانیم صادر کنیم و چه اندازه درآمد خواهیم داشت مشروط بر آنکه:

۱- مراکز تولید ما مورد حمله قرار نگیرد.

۲- به خطوط انتقال نفت حمله نشود.

۳- تانکرهای ما مورد حمله قرار نگیرد.

ملاحظه می‌کنید که همواره این احتمال وجود داشت که همان درآمد ارزی محدود هم قطع شود و ما با مشکل مواجه شویم پس می‌بایست سیاست اقتصادی آنچنان باشد که آسیب‌پذیری ما به حداقل برسد زیرا اگر فرضاً روزی بیاید که دیگر ارز نداشته باشیم تا گندم بخریم کسی دستمان را نمی‌گیرد و کشورهای دوست هم نمی‌توانند به ما کمکی نمایند. پس باید روی پای خودمان می‌ایستادیم و با توجه به امکانات خودمان برنامه‌ریزی می‌کردیم و ساختار اقتصادی مملکت را به گونه‌ای شکل می‌دادیم که آسیب‌پذیری آن به حداقل برسد به دلایل فوق می‌بایست دولت هم در بخش تولید و هم در بخش توزیع حضور فعال و مستمر داشته باشد تا مطمئن شود منابع محدود ارزی به جای خودش صرف می‌شود و نیایزهای معیشتی، بهداشتی و اجتماعی مردم مرتفع شده و برای دفاع مقدس تجهیزات لازم فراهم می‌گردد. بحمدالله آن دوران سخت را سپری نمودیم اما باید ببینیم آن دوران چه عوارضی را

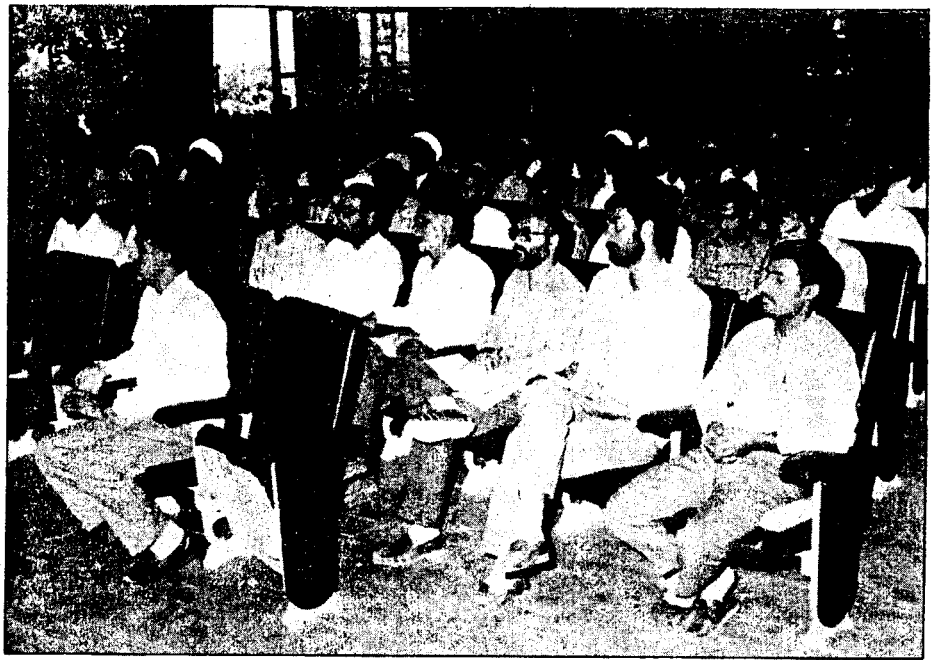
در پی داشته است؟ مسلماً انتخاب آن نوع سیاست اقتصادی در ایام جنگ مطلوب و ایده‌آل ما نبود بلکه ما بناچار و بنا بر شرایط اضطراری آن برنامه‌ریزی و آن سیاست را تعقیب نمودیم و طبعاً آن وضع در داخل سیستم ما عوارض و پیامدهایی به بار آورد که ما در اصطلاح آنرا عدم تعادل اقتصادی می‌خوانیم و بعد حرکتی را که در دوره بازسازی آغاز کردیم به اصطلاح حرکت به سمت تعادل اقتصادی است و جناب آقای هاشمی در سخنان خود به این نکته اشاره می‌فرمودند که ما به سمت تعادل اقتصادی می‌رویم حال ببینیم مفهوم هر یک از آنها چیست؟

عدم تعادل اقتصادی چگونه ایجاد می‌شود؟

به عرض شما برسانم، ما در دوران جنگ در بخش ارزی با توجه به فشارها و مشکلاتی که داشتیم ناگزیر بودیم در حد امکاناتمان و به اندازه درآمدهای ارزی موجود، امور اتمان را حل و فصل نمائیم، اما در بخش ریالی این چنین نبود زیرا دولت در داخل مملکت فعالیت‌هایی دارد که تعطیل بردار نیست و طبعاً این فعالیت‌ها هزینه می‌خواهد و هرگاه دولت فعالیت‌های بیشتری را بهمه بگیرد و مسوئلت بیشتری را تقبل کند هزینه‌هایش بالاتر می‌رود و این هزینه‌ها و مخارج دولت همانطور که گفتیم تعطیل بردار نیست و باید بموقع پرداخت گردد به عنوان مثال باید حقوق کارمندان و پرسنل خود را پردازد، مخارج مؤسسات وابسته به دولت و مایحتاج آنها را تأمین کند و... و همه اینها زمانی میسر است که دخل و خرج دولت برابر باشد. اگر فرضاً درآمدش صد تومان است مخارجش هم صد تومان باشد، در اینجا تعادل اقتصادی برقرار است اما مشکل زمانی آغاز می‌شود که این تعادل به هم بخورد و فرضاً پنجاه تومان درآمد داشته باشیم اما مخارجمان صد تومان باشد.

دولت در آمد ریالی خود را چگونه بدست می‌آورد؟

دولت یک سری خدمات از قبیل آب و برق و وسایل سوخت و... به شما عرضه می‌کند و در مقابل وجهی از شما می‌گیرد یعنی درآمد دولت عبارتست از همین وجوهاتی که بابت خدمات خود از مردم دریافت می‌کند با اضافه مالیاتی که از آنها می‌گیرد و مجموعه این درآمدها منابع مالی دولت است. و با همین درآمدها است که مخارج جاریه خود را می‌پردازد. حال اگر بین این درآمدها و مخارج تعادلی باشد نعم‌المطلوب اما اگر همانطور که عرض کردم درآمد دولت پنجاه باشد و مخارج صد چه باید کرد؟ مسلماً دولت که نمی‌تواند دست روی دست بگذارد و فرضاً بگوید چون درآمد ندارم فلان اداره یا فلان مدرسه تعطیل باشد اینها تعطیل بردار نیست پس چه می‌کند؟ از بانک مرکزی استقراض می‌کند و اگر بانک هم وجهی نداشته باشد اسکناس چاپ می‌کند و به دولت قرض می‌دهد تا، مخارجش را بگذراند و در نتیجه پولی بین مردم بخش شده که در مقابل آن کالایی وجود ندارد. در وضع مطلوب و در حالت طبیعی معمولاً فعالیت تولیدی صورت می‌گیرد و حاصل این فعالیت تولیدی درآمدی برای دولت ایجاد می‌نماید و آن درآمد بصورت پول در بین مردم بخش می‌گردد اما اگر چنین چیزی نباشد مشکل ایجاد می‌کند و ما در دهه گذشته با چنین فشاری مواجه بودیم که نه تنها سطح تولید افزایش پیدا نکرده بود بلکه کاهش داشت در سال ۵۶ از نظر ارزش‌گذاری حدود ۳۵۶ میلیارد تومان ارزش تولیدات مملکت بود و در سال ۶۷ به ۳۰۶ میلیارد تومان رسید یعنی در سال ۶۷ حدود ۵۰ میلیارد تومان از مجموعه کالایی که در اختیار جامعه بود کم شد ولی هزینه‌ها افزایش یافته بود و هزینه دفاع و رشد فزاینده جمعیت (۳/۲ درصد) و به همان نسبت نیاز بیشتر به کالا و خدمات و... من از



*** وجهی که به عنوان هزینه گزاف و زیاده دریافت می شود از کرایه تانکر آن هم کمتر است.**

بدهیم اینست که سعی کنیم دخل و خرج دولت متوازن بشود. این بدان معنا است که دولت همان مقدار پولی که در جامعه می ریزد به همان مقدار برداشت نماید و تولیدات کشور هم رشد مثبتی داشته باشد. در این صورت سطح رفاه جامعه افزایش می یابد چون پول اضافه نشده و تولیدات جامعه اضافه شده است و قدرت خرید مردم بیشتر می شود و کالای بیشتری هم در اختیار جامعه قرار گرفته است لذا هدف ما در دوره دوم اینست که درآمدها و هزینه های دولت را متعادل کنیم. و برای این کار بساید بینیم درآمدهای دولت کجاست؟ این درآمدها عمدتاً یکی مالیاتی است که دریافت می کنیم و دیگری بهای خدماتی است که دولت به جامعه عرضه می کند. در مورد خدمات مشکلی که هم اکنون با آن مواجه هستیم پائین بودن هزینه آنهاست مثلاً وجهی که به عنوان هزینه گزاف و زیاده دریافت می شود از کرایه تانکر آن هم کمتر است و همینطور است هزینه برق و سایر خدمات و اگر این وضع همچنان ثابت باشد همانطور که عرض کردم آن سیکل گذشته به جریان می افتد یعنی پول از بانک استقراض می شود و به جامعه سرازیر می گردد و قیمت ها بالا می رود و شمان مشکلات اقتصادی پیش می آید منتھی این مسئله از ابتدای استقراض

و همین کار را هم انجام دادیم و تا حدی موفق هم شدیم ولی کنترل صددرصد قیمت ها در آن شرایط امکان نداشت و محرکین و عوامل سودجو هم بودند که از این وضع سوء استفاده می کردند. با توجه به همین مشکلات بود که در سال ۶۶ حضرت امام (ره) به دولت اجازه اجرای تعزیرات حکومتی را صادر فرمودند تا به این طریق دولت هم قاضی باشد و هم عامل اجرایی اما حتی ما در همان موقع هم افزایش قیمت هایی در حدود ۲۰ درصد تا ۲۷ درصد داشتیم. آنچه تا بحال گفتیم به قسمت اول بحث ما مربوط می شود یعنی وضع اقتصادی کشور در زمان جنگ و تا قبل از قبول قطعنامه ۵۹۸ و طبعاً آن تصمیمات و برنامه ریزی ها مقتضی همان زمان بود بدلیل فشارهای داخلی و خارجی و دفاع که ما می بسایست اوضاع اقتصادی را به گونه ای شکل بدهیم که حداقل ضرر پذیری و حداکثر نیرو را داشته باشد و به این دلیل دخالت بیشتر دولت در فعالیت های اقتصادی ضروری بود.

دوره دوم، حرکت به سمت تسامح اقتصادی و سازندگی

اولین کاری که در این دوره باید انجام

آقای دکتر حداد عادل راجع به وضعیت کتابها سؤال می کردم، ایشان می گفتند ده سال پیش ۷۵ میلیون جلد کتاب چاپ می کردیم هر ساله به این رقم اضافه شده تا اینکه امسال حدود ۱۵۰ میلیون جلد یعنی دوبرابر چاپ کردیم. آیا می شود گفت پول نداریم، کتاب چاپ نمی کنیم؟ به این دلایل است که دولت مجبور است برود سراغ بانک مرکزی و استقراض کند و طبیعی است که با توجه به آن شرایط این عمل مقبول و قابل دفاع است. چون می بایست کار انجام بشود و لذا ما مجبور شدیم در این دوره ۱۰ ساله حدود هزار میلیارد تومان از بانک استقراض نماییم. معنی این حرف چیست؟ اینست که پولی به دست من و شما و در اختیار مردم قرار گرفت که در مقابلش کالایی نیست. کالا نسبت به گذشته افزایش پیدا نکرد و حتی کم شد و پول بدون وجود کالا و درآمد دیگر در اختیار مردم قرار گرفت و این امر موجب گردید قیمت ها بالا برود.

کنترل قیمت ها

با توجه به آن وضع اقتصادی بود که ما باید قیمت ها را کنترل نموده و به پهنه بندی کنیم و این کنترل را در کالاهای اساسی بیشتر نماییم

دولت مشهود نیست بلکه آثار آن در زمینه افزایش قیمت و غیره بتدریج بروز می کند.

چگونه تولیدات داخلی را تقویت کنیم؟

این آرزوی دیرینه مسئولین مملکت و همه ما است که روزی برسد که گندم خودمان را بخوریم، برنج و پنیر و تولیدات داخلی را تقویت کنیم اما مسئله اینجاست که هزینه تولیدات داخلی و آنچه از خارج وارد میکنیم خیلی متفاوت است. اجازه بفرمائید در این رابطه یکی دو نمونه خدمتان عرض کنم. هم اینک ما نیاز گندم خود را از دو منبع تأمین می کنیم:

۱ - تولید گندم داخلی که آنرا کیلوثی ۱۳ تومان از زارع می خریم.
۲ - گندمی که از خارج وارد می کنیم و کیلوثی حدود یک تومان است (تنی حدود ۱۴۰ دلار) نان کیلوثی حدود ۳ تومان به مردم فروخته میشود و مایل هم نیستیم قیمتش بالاتر برود در اینجا چه باید کرد؟ اگر همینطور گندم وارد کنیم با آرمان کلی ما متناسب نیست و اگر زراعت داخلی را افزایش دهیم هر چه تولید داخلی بیشتر شود فاصله بین تولید کننده و مصرف کننده بیشتر می شود. مثالی دیگر در زمینه دامداری به عرضتان برسانم ما از یک طرف دامداری داخلی را تشویق می کنیم و علوفه و کود شیمیائی و وام با درصد پائین در اختیار دامداران می گذاریم و از طرف دیگر با همین تفاوت قیمت مواجه میشویم. پنیر داخلی حدود ۲۰۰ تومان برای تولید کننده تمام میشود در حالیکه پنیر وارداتی کیلوثی ۲۲ تومان است و نتیجه اش این است که آقای فروزش وزیر جهاد سازندگی می گفت من برای بازدید به خرم آباد رفته بودم یعنی مرکز دامداری برای من سر صبحانه پنیر دانمارکی آوردند. در مشهد هم بروی همین طور است. این همان عدم تعادل اقتصادی است که عرض کردم و

* در برنامه ۵ ساله پیش بینی شده است که ۶۰۰ هزار تن شکر به تولید داخلی اضافه می شود و ما ظرف دو سه سال آینده از جهت شکر خودکفا میشویم.

واقعاً کسانی که به عمق این امور وارد می شوند و مسوولیت به دوش آنهاست رنج می برند در مشهد تولید شیر ۵۰۰ تن از مصرف روزانه بیشتر است و ما هم مایلیم که هر چه بیشتر شیر تولید بشود. حال می گویند ۵۰۰ تن شیر اضافی را چکار کنیم؟ میگوئیم به پنیر تبدیل کنید. میگویند قیمت آن کیلوثی ۲۰۰ تومان درمی آید و ما می خواهیم آنرا کیلوثی ۲۲ تومان به مصرف کننده بدهیم و همان مشکل قبلی و همان فاصله قیمت. حال ممکن است شما پرسید چرا این چنین شده است؟ این بر می گردد به دوره قبل که وضع و مشخصات آن دوره بحرستان رسید و اینکه دولت مجبور بود برود سراغ بانک مرکزی و پول بگیرد و این پولها در سطح جامعه پخش شده است. دولت ممکن است قیمت کالاهای سهمیه بندی مثل نان و روغن و غیره را کنترل کند اما مزد و حقوق نیروی انسانی قابل کنترل نیست. قیمت مزد کارگری که در دامداری کار می کند قابل کنترل نیست و بنابراین هزینه های تولید افزایش می یابد و قیمت پنیر داخلی میرسد به کیلوثی ۲۰۰ تومان. حال شما در مقابل این سؤال هستید: آیا ما از پنیر داخلی استفاده کنیم یا پنیر خارجی؟ اگر از پنیر خارجی استفاده کنیم سالانه

حدود ۲۵۰ میلیون دلار ارز مملکت در این راه صرف میشود که نصف آن هم آب است. در صورتیکه هزینه وزارت آموزش و پرورش یا آموزش عالی صد میلیون دلار هم نمیشود و این روند بسیار رشد ۳/۲ درصد جمعیت همچنان افزایش می یابد و میرسد به آنجا که باید ۵۰۰ میلیون دلار برای آموزش و پرورش و آموزش عالی صرف شود. ما در این اقتصاد برون گرا باید با یک برنامه ریزی بلندمدت شده خود را از این وضع نجات دهیم. آنچه گفتیم در مورد کالاهای دیگر شکر، آرد، پنیر، فولاد، آهن، شکر و... صادق است. بگذارید درباره شکر عرض کنم. ما شکر را از خارج تنی ۳۶۰ دلار میخریم که حدود کیلویی ۲۵ ریال می شود در صورتیکه قیمت شکری که در داخل تولید میشود حدود ۲۵ تا ۳۰ تومان تمام میشود و این همان مسئله شیر و پنیر و نان و گندم و... است. حال ما می خواهیم این ۲۰۰ میلیون دلاری که شکر وارد می کنیم بیاییم در داخل سرمایه گذاری کنیم و در منطقه ای مثل خوزستان که از هر جهت مناسب است به کشت نیشکر بپردازیم و در برنامه پنج ساله پیش بینی شده است که ۶۰۰ هزار تن به تولید داخلی اضافه می شود و ما ظرف دو سه سال آینده از جهت شکر خودکفا می شویم ولی قیمتش در میاید کیلوثی ۲۵ تومان و همینطور در مورد ارزاق و مایحتاج دیگر...

چه باید کرد؟

اینجا دو راه بیشتر وجود ندارد یا باید ما همانند گذشته عمل کنیم و دولت این کالاها را بخرد و در سیستم سهمیه بندی بگذارد و برای تأمین هزینه خود بسراغ بانک مرکزی برود و استقرار نماید و این همان سیکل معیوبی است که اسمش را عدم تعادل اقتصادی می نامیم و چه بسا من و شما به ظاهر هم متوجه آن نمی شویم و فقط می بینیم مرتب سطح قیمت ها بالا میرود. اگر این وضع در دوران



*** اگر قیمت تولید داخلی و آنچه از خارج می‌آوریم همینطور متفاوت باشد هرچقدر که شما کنترل کنید عملاً راه سوء استفاده فراهم است.**

صحیح در یک زمان مشخص فاصله بین تولید و مصرف را متعادل کنیم بطوریکه قیمت اجناس در بازار آزاد قیمت واقعی خودش باشد و آنگاه حقوق و دستمزدی هم که من و شما دریافت می‌کنیم حقوق و دستمزد واقعی خودمان خواهد بود و باین طریق انشاءالله برسیم به مرحله‌ای که حالت تعادل دارد و این لازمه‌اش کاهش کسر بودجه، حذف سوبسیدها و حرکت در یک برنامه‌ی زمان‌بندی شده و در یک چهارچوب اقتصادی، همان چیزی که در طی سالهای گذشته مرتب مورد تأکید نمایندگان مجلس و دستگاههای اجرایی بوده و اکنون نطق‌ها و نوشته‌هایشان موجود است آنها همواره بر سه مسئله اصرار داشتند که:

- ۱ - سوبسیدها را قطع کنید
- ۲ - کسر بودجه را کاهش دهید
- ۳ - بودجه را در قالب یک برنامه جهت

بدهید ما در دوره‌ی سازندگی باید این موارد را عمل کنیم و اقتصاد خود را باین طریق تصحیح نموده و فبال و شکوفا نماییم. اگر این کار را اجرا کنیم و این تصحیح را در روند اقتصادی کشور انجام بدهیم من به شما اطمینان میدهم که در آینده نزدیک با تولید بیشتر و رشد اقتصادی بیشتر و برطرف‌سازی از همه امکانات کشور

دومی آن را بگیرد. برای توزیع کننده هم این انگیزه و وسوسه پیش می‌آید که چهارتای آنرا کنار بگذارد و بازار آزاد بفروشد. برای تولید کننده هم همین حالت وجود دارد که چندتای آنرا در بازار آزاد بفروشد و مواجه می‌شویم با این وضع که کالا در سیستم شبکه‌بندی که باید باشد نیست ولی بصورت آزاد به وفور وجود دارد.

برنامه دولت

حال برای از بین بردن این وضع نامطلوب دولت می‌خواهد این فاصله بین سوبسیدبندی و آزاد که میلیاردها تومان میشود (و در بنامه افراد مختلف و واسطه‌ها از آن استفاده می‌کنند) را از میان بردارد و این درآمد را به خزانه دولت بازگرداند و این همان است که از آن به حرکت بسمت تعادل اقتصادی نام بردیم. منظور اینست که دولت خدمات خودش را با قیمت واقعی بفروشد. در این صورت امکانات دولت و درآمدهای او در جایگاه واقعی خودش قرار می‌گیرد و خواهد توانست از امکانات واقعی خودش در جهت جبران قدرت خرید و افزایش حقوق و دستمزد استفاده کند. در این صورت است که خواهیم توانست با برنامه

جنگ بطور اضطراری قابل اجرا بود و قابل دفاع بود (بگذریم از اینکه ضایعاتی هم بصورت جنبی داشت و بعضاً سوء استفاده‌هایی می‌شد که صد در صد قابل کنترل نبود) بطور قطع در دوران بازسازی و شکوفایی اقتصادی مقبول نیست. اگر قیمت تولید داخلی و آنچه از خارج می‌آوریم همینطور متفاوت و اختلافشان و فاصله‌شان زیاد باشد هرچقدر که شما کنترل کنید عملاً راه سوء استفاده فراهم است و افراد سودجو به طرق مختلف از آب گل‌آلود ماهی می‌گیرند. وقتی می‌بیند بنیر ۲۲ تومان را در بازار ۲۰۰ تومان می‌خرند می‌گوید هر کیلوئی که بگذارم کنار ۱۸۰ تومان بسرای من دارد و همینطور کالاهای دیگر. و ما با این عمل خود به نحوی راه سوء استفاده را باز گذاشته‌ایم و عرض کردم هرچقدر هم شما کنترل کنید آنها سوء استفاده خود را می‌کنند و نمیشود برای هر نفر یک بازرس و یک پلیس گذاشت حال اگر خود همان بازرس با آنها کنار آمد چی؟ و این وضع و حال سیستم‌های متفرک است که قابل دوام نیست و نمونه‌اش شوروی و اروپای شرقی پیش روی ماست. آقا وقتی سی‌بسیند تلویزیون را دولت می‌دسد ۱۳ هزار تومان ولی در بازار آزاد ۴۰ هزار تومان است بسدش نمی‌آید به نحوی تلویزیون خود را منفی کند و

مواجه خواهیم بود ولی اگر بخواهیم بر اساس سوبسید حرکت کنیم دوباره همان آش و همان کاسه و همان مشکلات پیش روی ما است. پس آنچه در برنامه‌های اقتصادی دولت است و در آینده هم ادامه خواهد داشت این است که سوبسیدها را جز در مورد کالاهای اساسی و دارو حذف کنیم یعنی همزمان با افزایش قدرت خرید مردم سوبسیدها حذف شود مثلاً اگر کسی از اینجا می‌خواهد برود اروپا آیا ما باید برای بلیط هواپیمای او هم سوبسید بدهیم؟ (که می‌دادیم و از ابتدای سال قطع کردیم) یا فردی که می‌خواهد اتومبیل بخرد و یا برای مجموعه تولیدات صنعتی، تلویزیون، یخچال و غیره چرا سوبسید بدهیم؟ همانطور که عرض کردم اگر ما بخواهیم روی این مجموعه کالاها سوبسید بدهیم مطمئن باشید که دولت چاره‌ای جز استقراض از بانک مرکزی ندارد و نتیجه آنکه سطح عمومی قیمت‌ها همانند گذشته همچنان رو به افزایش خواهد بود. به این دلایل مادر دوره بازسازی اقتصادی سوبسیدها را جز در موارد ضروری حذف می‌کنیم اما در مورد مایحتاج ضروری مردم و دارو همچنان ادامه خواهد داشت تا روزی که انشاء الله بقدری افزایش تولید داشته باشیم که نیازی نباشد آنها را از خارج وارد کنیم. خوشبختانه در این زمینه آنچه که در طی سال ۷۰-۶۹ حاصل شده بسیار امیدوار کننده است. بعنوان نمونه به عرضتان برسانم در سال ۶۹ دولت از کشاورزان ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تن گندم خریداری نمود و این رقم در سال ۷۰ حدود یک میلیون تن افزایش داشته است و این یعنی ۵۰٪ رشد. در سال ۶۹ میزان تولید فولاد حدود ۱/۹ میلیون تن و در سال ۷۰ به حدود ۳ میلیون تن افزایش یافته است. و در سال ۷۱ به ۴ میلیون و ۱۰۰ هزار تن خواهد رسید و اینها به دلیل سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها است. مجموعه سرمایه‌گذاری‌هایی که در زمینه پتروشیمی صورت گرفته و در سال ۷۳-۷۲ به مرحله تولید خواهد رسید ارزش افزوده‌ای

* ما هیچ شرطی را از هیچ کس نپذیرفتیم مگر بر اساس مجموعه مباحثی که خودمان، در مجلس و در هیئت دولت دانسته و بعداً به عنوان کتاب برنامه مسکنی کتابت قرار می‌گیرد.

بیش از ۳ میلیارد دلار برای مملکت ایجاد می‌کند و اینها همه در واقع افزایش ظرفیت تولیدات کشور است که بحمد الله سیر صعودی دارد و نتیجه‌اش این است که خواهیم توانست پول جامعه را در یک سطح متعادل حفظ نمائیم و مشکلی که جامعه همیشه از آن رنج می‌برد یعنی افزایش قیمت‌ها کنترل شود و در مجموع روند اقتصادی مطلوب است و همان سستی را طی می‌کند که یک اقتصاد سالم و یک اقتصاد متعادل و رو به رشد باید طی نماید. پیش‌بینی میشود تا پایان برنامه پنجساله اول که (سال ۷۲) خواهد بود تولیدات ما نسبت به سال ۶۸ (آغاز برنامه ریزی پنجساله) ۵۰ درصد افزایش پیدا کند و این امر در تمام ابعاد اقتصادی از جمله افزایش امکانات مادی و معنوی دولت تأثیر مثبت خود را نشان خواهد داد انشاء...

پرسش و پاسخ

۱: طبق مصوبه مجلس شورای اسلامی قرار شده است که وام ۴ درصد به فرهنگیان برای بنا و ساختمان داده شود ولی تاکنون از اجراء آن خبری نیست؟
در مصوبه مجلس اینطور قید شده که

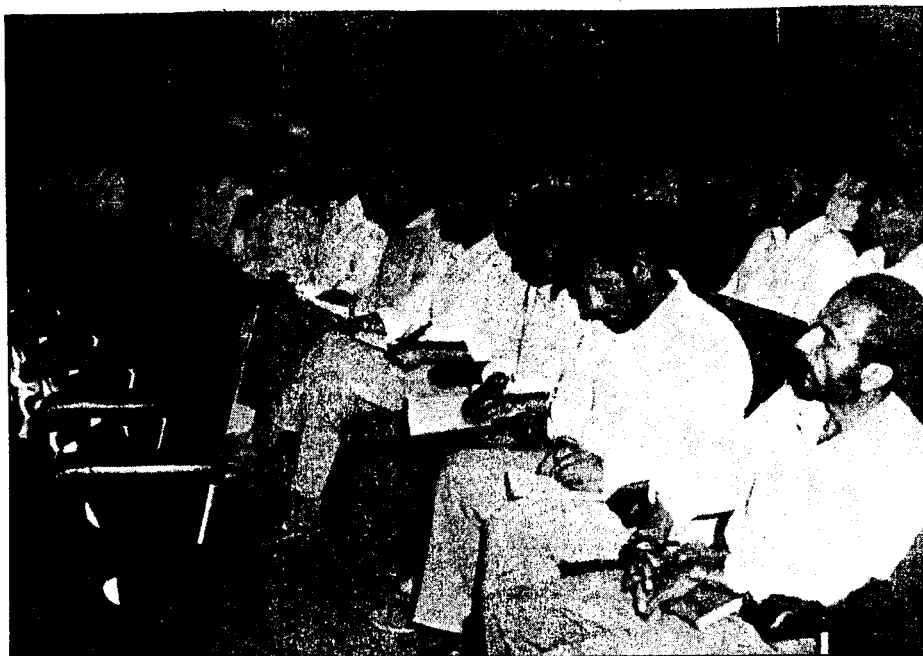
سیستم بانکی بر اساس کسب و کار و قیمت تمام شده تسهیلات لازم در اختیار فرهنگیان عزیز قرار بدهد.

پس از مذاکراتی که با مسئولین آموزش و پرورش داشتیم، با توجه به منابع تأمین کننده این وام باید در نظر گرفته شود که مبلغ یکصد میلیارد ریال وام با نرخ ۷٪ تا ۷٪ از طرف بانک مرکزی در اختیار فرهنگیان قرار گیرد و این مبلغ به تناسب بین استانها تقسیم گردد تا بعنوان تسهیلات مسکن به فرهنگیان متقاضی پرداخت گردد. حال اگر در امر توزیع بین استانها و شهرها مشکلی هست مشخصاً برای من بنویسید تا رسیدگی شود

۲- آیا چیزی به نام اقتصاد اسلامی وجود دارد یا خیر؟ اگر دارد چه برنامه‌ای برای عملی کردن آن در دست اجرا دارید و اگر وجود ندارد سیستم اقتصادی کشور بر اساس کدام سیستم اداره خواهد شد؟

ملاحظه بفرمایید گاهی بحث توریک است که آیا اقتصاد اسلامی وجود دارد یا نه؟ که بنده معتقدم وجود دارد و پیرامون این مسئله از دوران دانشجویی تاکنون بحث‌های مفصلی داشته‌ایم و روی موضوعات مختلف اقتصاد اسلام کار کردیم. از جمله مسئله بانکداری بدون ربا و در این مورد افراد ذیصلاح و اساتید دانشگاه تحقیق و تتبع نموده و باب آن مفتوح است و دو قطب مهم یعنی حوزه و دانشگاه بیشتر بفرمایند و ما را یاری دهند تا ابتدا مبانی توریک اقتصاد اسلامی و سپس مشکلات اجرائی و راههای عملی شدن هر کدام از بخش‌های آن مورد بررسی دقیق قرار گیرد و ما هم اکنون برای این موضوع در بانک مرکزی بخش و بودجه‌ای را اختصاص داده‌ایم و کارشناسان و اساتید بطور جدی مشغول هستند و امیدوارم به نتایج نظری و عملی خوبی نایل شویم.

اما یک وقت بحث پیرامون اجرا است و این سؤال مطرح می‌شود که آنچه اکنون انجام



می‌شود همان سیستم اقتصاد اسلامی مطلوب است؟ یا حرکتی است به سمت اقتصاد اسلامی؟ به عرضتان برسانم آنچه مبنای کار و برنامه دولت است در واقع چهار چوبی است که در مصوبات مجلس تعیین می‌شود و به تأیید شورای نگهبان هم می‌رسد و خلاصه از نظر اجراء سرمایه‌گذارها، حمایت‌های مختلف، رابطه بین عوامل مختلف اقتصادی و... هم در قالب این برنامه شکل می‌گیرد منتهی همانطور که عرض کردم هم در زمینه تئوری و هم عملی نیاز به تحقیق و کار بیشتر داریم

۲- در جراید و وسایل ارتباط جمعی اینطور مطرح می‌شود که بانکداری اسلامی عامل جلوگیری از ربا است در صورتی که بانکها با صراحت ربا می‌گیرند و حتی بیشتر هم می‌گیرند. لطفاً پاسخ دهید.

نخستین بار نیست که این مسئله طرح می‌شود. از سال ۶۳ که ما تانویں بانکداری بدون ربا را دستور کار قرار دادیم مرتب این سؤال مطرح می‌شود. مادر بانک با دو گروه مواجه هستیم یکی سپرده‌گذار و گروه دوم کسانی که می‌خواهند از این سپرده‌ها و امکانات بانک استفاده کنند و فعالیت اقتصادی نمایند افرادی که برای سپرده گذاری به بانک مراجعه می‌کنند از اقسام مختلفی

هستند و نمی‌توان گفت همه آنها طاعوتی هستند چه بسا فردی کم بضاعت بوده و دارو ندارد ۱۰۰ یا ۲۰۰ هزار تومان می‌شود و آنرا به بانک می‌سپارد. در مقابل کسانی هستند که مایلند از این پول استفاده کنند و در صنعت یا کشاورزی یا ساختمان سازی به کار گیرند و فعالیت تجاری نمایند. بر اساس عقود اسلامی ما به مقدار پولی که در اختیار اینها قرار می‌دهیم شریک آنها می‌شویم. اگر فرضاً ساختمان سازی کرده ما می‌گوئیم پس از فروش به نسبت پولی که از بانک گرفته است شریک او هستیم ولی مشکل ما یک معضل فرهنگی است بطوریکه او حاضر است درصد بیشتری بدهد ولی ما به کارش دخالت نکنیم و شریک منافع او نشویم. به ندرت کسی حاضر می‌شود که ما در فعالیت تجاری و اقتصادی او مشارکت کنیم و این مشکل فرهنگی است که واقعاً باید حل شود. حال شما بفرمائید چه کنیم؟ چون اجازه نمی‌دهد ما بفهمیم چند درصد سود می‌برد و چه می‌کند ما وام را چگونه بصورت قرض الحسنه باو بدهیم؟ باین دلایل است که ما ناگزیریم برای وام و اسور مشابه ضوابطی تعیین کنیم ولی برای اطمینان به عرضتان برسانم که تمام بندهای و آئین نامه‌های ما با تأیید و امضاء شورای نگهبان

است و در ایام حضرت امام، این آئین نامه را خدمت ایشان می‌فرستادیم و پس از تأیید و امضای ایشان به اجرا در می‌آوردیم. پس قضیه اینطور نیست که در سؤال مطرح شد. مشکل ما در اینجا که انشاء الله حل می‌شود فرهنگی است و ما باید دقیقاً به شکل مضاربه و احکام اسلامی به پیش برویم و در سود حاصله کسانی که با کمک بانک فعالیت اقتصادی می‌کنند شریک شویم گرچه از لحاظ شرعی کتباً اجازه گرفته‌ایم که نسبت سود را مشخص نمائیم.

۴- نظر شما در این مورد که گفته می‌شود دولت تسلط بر بازار ندارد و بازارها همه چیز را در قبضه خودشان دارند و دولت نمی‌تواند وضع ناسامان گرانی را بهبود بخشد چیست؟ همانطور که در قسمت اول سخنانم عرض کردم هرگاه سطح پول جامعه به علت عدم تعادل دخل و خرج دولت اضافه بشود این تمایل عمومی وجود دارد که قیمت‌ها بالا بروند هر چند دولت در بخشهای مختلف ناظر بگذارد تأثیر زیادی ندارد مثل پرکاهی در سطح آب که بخواهیم به زور پائین آب نگاه داریم. به محض آنکه لرزشی بردست دولت حاصل شد، سطح عمومی قیمت‌ها بالا می‌رود ما علت گرانی را در گذشته بررسی نمودیم. باید علت را از میان

بیریم آنوقت معلول خود بخود حل می‌شود. البته این هم هست که عناصر فرصت طلب و سودجو در هر شرایطی هستند و مایلند آب گل آلود شود تا ماهی بگیرند و ما هم توجه و نظارت داریم اما مسلماً برای هر نفر نمی‌شود یک ناظر و بازرس بگذاریم. این امر به هیچوجه عملی نیست ما باید برنامه‌ریزی اقتصادی خود را به گونه‌ای تنظیم کنیم که اجازه سوء استفاده را چه به بازار و چه غیربازار ندهیم.

۴ - لطفاً بفرمائید نظام هماهنگ پرداخت حقوق از چه زمانی شروع می‌شود و آیا ما به التفاوت چند ماه گذشته پرداخت می‌گردد یا خیر؟

ما مقدمات کار را چه از جهت تدوین آئین‌نامه‌های لازم و چه از لحاظ ابلاغ آنها به کارگزینی جهت صدور احکام جدید برای کارمندان آماده کرده‌ایم و امیدوارم مراحل اجرایی کار به سرعت طی شود و در حداقل زمان ممکن در اختیار شما قرار گیرد. ما به التفاوت ماههای گذشته هم پرداخت می‌گردد و ما می‌توانیم از هم اکنون طوری برنامه‌ریزی کنیم که مبلغی به عنوان علی‌الحساب پرداخت گردد تا انشاء... احکام بر اساس آئین‌نامه‌های جدید ابلاغ شود و روش پرداخت هم به

*** حرکت سالم اقتصادی آنست که به سمتی حرکت کنیم که سوبسیدها حذف گردد و کسر بودجه تقلیل یابد.**

*** بانک جهانی مجموعه سیاست‌هایی ما را که در کتاب برنامه است تأیید می‌کند و روند آنرا مسیر سالمی می‌داند.**

صورت جدید در آید.

۵ - خواهشمند است بفرمائید عوامل و شرایط موجود در دریاقت وام از صندوق بین‌المللی چیست؟

من خوشحالم که این سؤال مطرح شد. چون این مسئله یکی از موضوعات بحث‌انگیز سیاسی است که در محافل مختلف مطرح می‌شود و چه خوب است پاسخ آن را از زبان خودم بشنوید تا اینکه فلان گروه یا فلان روزنامه بنویسد. ظاهراً اینطور مطرح می‌شود که علت حذف سوبسید شرایطی است که از طرف بانک جهانی برای ما در نظر گرفته است و ما سوبسیدها را حذف می‌کنیم تا آنها به ما وام بدهند! در صورتی که هرگز اینطور نیست. من یکبار به این مطلب اشاره کردم که در دهسال گذشته مرتب از جانب نمایندگان محترم مجلس و سایرین مسئله حذف کردن سوبسید مطرح می‌شود و به آن به عنوان یک امر مهم تأکید می‌شود و اگر لازم باشد تمام سخنان آقایان موجود است. حال این صحیح است که بگوئیم آنها در جهت خواست بانک جهانی سخن گفته‌اند؟ مسلماً اینطور نیست. در این گونه تصمیم‌گیری‌ها مبنای کار ما قانون برنامه است. در کتاب قانون برنامه ما چنین آمده: حرکت سالم اقتصادی آنست که به سمتی

حرکت کنیم که سوبسیدها حذف گردد، کسر بودجه تقلیل یابد و از بین برود. آقایان هم همواره نوک تیز انتقاداتشان به دولت در این زمینه‌ها بوده و می‌خواستند سوبسیدها حذف و کسر بودجه به حداقل برسد. ما هیچ شرطی را از هیچ‌کس نپذیرفتیم مگر بر اساس مجموعه مباحثی که خودمان در درون خودمان، در مجلس و در هیئت دولت داشته و بعداً به عنوان کتاب برنامه مبنای کار ما قرار می‌گیرد و ما بر اساس این حرکت می‌کنیم. نکته دیگر اینکه بانک جهانی مجموعه سیاست‌های ما را که در کتاب برنامه آمده است تأیید می‌کند و روند آن را مسیر سالمی می‌داند. حال ما بگوئیم چون آنها تأیید می‌کنند حتماً اشکالی در کار ما است! ما باید تصمیمات خودمان را مستقل از این جوسازی‌ها اتخاذ کنیم و الا اگر بخواهیم تحت تأثیر این جوسازی‌ها قرار بگیریم دشمن می‌تواند خیلی خوبی ما را بازی دهد یعنی اگر بخواهد ما را به تله بیاندازد چیزی می‌گوید که ما را به عکس العمل وادار نماید و ما عکس آنچه را او گفته عمل کنیم و به این طریق به اهداف خود می‌رسد.

چگونگی استفاده از تسهیلات خارجی

مسئله استفاده از تسهیلات خارجی از سال ۶۷ در مجلس مطرح بوده است که ما به عنوان مثال سالیانه یک میلیون و ۲۰۰ هزار تن شکر نیاز داریم. نصف آن در داخل تولید می‌شود و ما سالی ۶۰۰ هزار تن از خارج وارد می‌کنیم از قرار تنی ۳۶۰ دلار یعنی سالی ۲۰۰ میلیون دلار بابت شکر می‌دهیم. حال اگر ما برویم و یک میلیارد دلار وام بگیریم و با آن ۵ کارخانه تصفیه شکر بسازیم و با توجه به آب و هوای مناسب کشورمان نیشکر بکاریم و پرورش بدهیم و آن را به شکر تبدیل کنیم سالیانه ۲۰۰ میلیون دلار صرفه‌جویی کرده‌ایم و همین وجه را می‌دهیم به ماشین‌آلاتی که با استفاده از وام توانسته‌ایم بخریم و بعد از ۵ سال کل هزینه این

۲ - بانک جهانی که وامهای آن ۲۰ ساله است.

مسئلاً اگر از بانک جهانی استفاده کنیم ارجح است همانطوری که در قضیه زلزله ۲۵۰ میلیون دلار وام گرفتیم تا به کمک آن پروژه‌هایی را به ثمر برسانیم که اگر نبود نمی‌توانستیم به آسانی آنجا را بازسازی نماییم. طریقه بازپرداخت آن هم بدین صورت است که تا ۵ سال چیزی نمی‌دهیم و بعد از ۵ سال هر ساله ۱۲ میلیون دلار بازپرداخت می‌کنیم و به

این طریق نه برنامه‌های توسعه ما خدشه‌دار می‌شود و نه کسانی که الان نیازمند مسکن هستند بی‌سرپناه می‌مانند. این است آنچه دولت انجام داده است و مورد تأیید مجلس و سیاست‌گذاری کلی مملکت می‌باشد و جزء سیاست‌های کلی است که همان موقع به نظر حضرت امام (ره) رسید حال شما ملاحظه کنید چگونه از مطلب واضح و بدون ابهامی می‌خواهند یک موضوع داغ سیاسی در آورند که بله اینها می‌خواهند وام بگیرند و باید سوبسیدها را حذف کنند و چیزهایی که انسان واقعاً تعجب می‌کند از جمله اینکه آنها شرط کرده‌اند که حجاب را سخت نگیرند و از این صحبت‌های بی‌اساس. برای وام گرفتن ممکن است بعضاً شرایطی اقتصادی مطرح شود ولی مسئله حجاب و چیزهایی از این نوع مسایل فرهنگی است؛ کشورها معمولاً زیر بار شرایط اقتصادی نمی‌روند چه برسد به مسایل فرهنگی که بمعنی دخالت در امور کشوری دیگر است. جالب این جاست که ما تا به حال فقط یک وام از بانک جهانی دریافت کرده‌ایم و آن هم بابت زلزله است و در آنجا تسهیلات کشوری که بوام گیرنده شرط و شروطی تعیین کرده ما هستیم نه اینکه آنها شرط بگذارند ما گفتیم هر موردی از آن باید به تأیید شورای نگهبان در کشورمان برسد و اکنون متن آن قرارداد موجود است. یعنی اگر هند یا پاکستان یا سوریه وام گرفته اینطور نیست مسائلی که کشوری هستیم که آنها شرایط ما را برآورد

* ما تا بحال از بانک جهانی فقط یک وام دریافت کردیم و آن هم بابت زلزله است.

کارخانه‌ها مستهلک می‌شود و آنها مال خودمان است و دیگر نیازی نیست از خارج شکر وارد کنیم و هر ساله مبلغ کلانی ارز را به آن اختصاص بدهیم آیا این وابستگی است؟ براساس این استدلال بوده است که ما خواستیم از امکانات خارجی استفاده کنیم برای سرمایه‌گذاری‌هایی که عواید آن به خود ما بر می‌گردد و در جهت خودکفایی ما است چون بحمد... منابع طبیعی ما بسیار غنی است و امکان استفاده از این منابع فراهم است. مادر یک مقطع کوتاه مدت با کمبود سرمایه روبرو هستیم. برای تأمین آن و شتاب بخشیدن به سرمایه‌گذاری‌های ضروری و مفید، مطابق آنچه در کتاب برنامه تصویب شده است نیاز به وام داریم تا بتوانیم بیش از ۳ سد و ۵ کارخانه پتروشیمی و ۳ پالایشگاه و ۵ کارخانه تصفیه شکر و صنایعی که حدود ۷/۵ میلیارد دلار تخمین زده شده است دایر نماییم و پولی که می‌خواستیم بابت خرید شکر و غیره برداریم (با توجه به اینکه نیاز ما به آنها هر ساله بیشتر می‌شود) بابت پرداخت اقساط ماشین‌آلات آنها می‌دهیم و بعد از پنج سال همه آنها مال خودمان است و ارز کلانی برای مملکت صرفه‌جویی شده است و تمام آن کارخانه‌ها مال خودمان است و نیازهای داخلی را خودمان تأمین می‌کنیم. ضمناً اکنون وام‌هایی که ما می‌توانیم استفاده کنیم نوعاً از دو طریق است:

۱ - بانک‌های تجاری خارجی که باید در ۵ یا ۶ سال وام را بازپرداخت نماییم.

* بعد از فروپاشی بلوک شرق و جهان کمونیست بطور قطع بخش عظیمی از فعالیت‌های پنهانی سازمانهای جاسوسی غرب بخصوص سازمان CIA متوجه جهان اسلام و بویژه کشور جمهوری اسلامی ایران است.

دریافت وام پذیرفتند حال ببینید چگونه ممکن است مسئله‌ای وارونه مطرح گردد. در مورد استفاده از تسهیلات بانک جهانی برای پروژه‌های پتروشیمی و غیره مذاکرات ما مراحل مقدماتی خود را طی می‌کند و بر فرض اگر هم شرطی در این زمینه باشد بعد اقتصادی و دلایل خاصی دارد و نوعاً شامل ما نمی‌شود بلکه برای کشورهایی است که در بازپرداخت خود دچار مشکل شده‌اند و بانک برای پرداخت وام مجدد باید مطمئن شود که آنها توان بازپرداخت وام را دارند و اصولاً مسئله حجاب و مسائل فرهنگی مطرح نیست و این دخالت آشکار در امور داخلی کشوری دیگر است که هیچکس تحمل نمی‌کند و آنها هم به خودشان چنین اجازه‌ای نمی‌دهند.

البته برادران و خواهران فرهنگی توجه دارند پس از فروپاشی بلوک شرق و جهان کمونیست بطور قطع بخش عظیمی از فعالیت‌های پنهانی سازمانهای جاسوسی غرب بخصوص سازمان CIA متوجه جهان اسلام بویژه کشور جمهوری اسلامی ایران است و باید با این موضوعات هشیارانه برخورد شود و لازم‌هاش اینست که شما از این جریانات با خبر بمانید و آگاهی سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان را بالا ببرید تا تحت تأثیر تبلیغات مسموم قرار نگیرند. انشاء... همواره در راه خدمت به اسلام و مسلمین و تربیت نسلی پویا و با ایمان موفق باشید.

